


 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/ravanshenasi.2025.5001259

 20.1001.1.20081782.1404.18.1.4.9

Explaining the Approach and Inhibition (Encouragement and Punishment) Program Model Based on Islamic Sources for God-Oriented Spiritual Parenting

✉ **Mohammad Hossein Haghshenas**  / PhD Student of Psychology, Research Institute of Hawzah and University
m.h.haghshenas2976@gmail.com

Masoud Janbozorgi / Professor at the Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University
psychjan@gmail.com

Mostafa Arabpour / PhD Student of Psychology, Research Institute of Hawzah and University

Received: 2024/11/18 - **Accepted:** 2025/02/20


Abstract

This qualitative content analysis study aimed to develop an approach and inhibition program (encouragement and punishment) model based on Islamic sources for God-oriented spiritual parenting. The semantic domain of parenting was extracted from lexicons and religious texts, supplemented with hadith sources. Using keywords and hadith resources, relevant analytical units were identified. For content validity, components and documentation were reviewed by three experts, confirming 100% alignment and necessity of categories. Results categorized the approach and inhibition model into four parts: the approach program comprises explicit and implicit reinforcement, while the inhibition program includes implicit and explicit discipline. Findings revealed the latent program of approach (encouragement) is to attract God's pleasure, and the latent program of inhibition (deterrence) is to repel divine wrath, applicable across all perceptual domains of origin, self, objective existence, and purpose.

Keywords: approach, encouragement, inhibition, punishment, God-oriented spiritual parenting.

تبیین الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو

m.h.haghshenas2976@gmail.com
psychjan@gmail.com

محمدحسین حق شناس  / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مسعود جان‌بزرگی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مصطفی عرب‌پور / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو صورت گرفته است. این پژوهش از نوع کیفی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. برای رسیدن به این هدف حوزه معنایی والدگری بر اساس کتب لغت و متون دینی استخراج شد و علاوه بر آن از کتب حدیثی استفاده شد. با استفاده از واژگان و منابع حدیثی این حوزه واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع مشخص شد. به منظور بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌ها و مستندات مربوطه در اختیار ۳ نفر از کارشناسان قرار گرفت و نظر کارشناسان نیز بررسی و یافته‌ها نسبت به میزان مطابقت با مستندات و همچنین نسبت به میزان ضروری بودن مقوله‌ها با ۱۰۰٪ تأیید شد. طبق نتایج به دست آمده الگوی برنامه روی آوری و بازداری در چهار قسم تقسیم‌بندی شدند. برنامه روی آوری، دو قسم تقویت تصریحی و تقویت تلویحی و برنامه بازداری، دو قسم تأدیب تلویحی و تأدیب تصریحی را تشکیل می‌دهد. همچنین نتایج نشان داد که برنامه نهفته از روی آوری (ترغیب) جلب خشنودی خداوند و برنامه نهفته از بازداری (ترهیب) دفع غضب الهی است که می‌توان در تمام حوزه‌های ادراکی مبدأ، خود، هستی عینی و غایت به کار برد.

کلیدواژه‌ها: روی آوری، تشویق، بازداری، تنبیه، والدگری معنوی خداسو.

خانواده‌ها به‌طور مداوم در حال تغییر و سازگاری با گذشت زمان هستند. مشاوران خانواده بر این پویایی‌ها تمرکز می‌کنند و به چگونگی رشد، سازگاری یا تغییر خانواده‌ها توجه دارند. مشاوران آگاه به مسائل فرهنگی به‌خوبی می‌دانند که خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌ها، باورها و سنت‌های فرهنگی خود هستند (Goldenberg et al, 2014)، و از طرف دیگر، تحولات عصر حاضر، روابط بین والدین و فرزندان را تحت‌الشعاع قرار داده و اساس رویارویی با چالش‌ها، ضرورت تغییر، تحول و یادگیری در نظام تربیتی را موجب شده است.

یادگیری، فرایندی پیچیده و چندوجهی است که اشکال گوناگونی دارد. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج در حوزه روان‌شناسی، دسته‌بندی انواع یادگیری بر اساس رفتار و پیامدهای خوشیند یا ناخوشیند آن است. این رویکرد، با تأکید بر نقش انگیزه‌ها در شکل‌دهی رفتار، به تبیین چگونگی اکتساب و تکرار یا اجتناب از رفتارها می‌پردازد. انسان، به‌عنوان موجودی نیازمند و در جست‌وجوی تعادل، همواره در تلاش برای رفع نیازهای خود و دستیابی به کمال است. این جست‌وجو، با احساس لذت در مواجهه با امور تعادل‌بخش و احساس رنج در مواجهه با امور برهم‌زننده تعادل، همراه است. بر این اساس، هرگاه انسان رفتاری را انجام دهد یا در موقعیتی قرار گیرد که با پیامدهای لذت‌بخش و تعادل‌آور همراه باشد، این تجربه را به خاطر می‌سپارد و در دفعات بعد نیز آن را تکرار می‌کند. در مقابل، اگر رفتار یا موقعیتی منجر به پیامدهای رنج‌آور و برهم‌زننده تعادل شود، این تجربه نیز در حافظه ثبت شده و فرد در مراحل بعد از آن پرهیز می‌کند. این دو سازوکار، که همان انگیزه‌های مثبت و منفی هستند، نقش اساسی در یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان ایفا می‌کنند. انگیزه‌های مثبت، فرد را به‌سوی رفتارهایی که منجر به پاداش و لذت می‌شوند، سوق می‌دهند و انگیزه‌های منفی، او را از رفتارهایی که منجر به درد و رنج می‌شوند، بازمی‌دارند. به‌عبارت‌دیگر، یادگیری مبتنی بر پاداش و تنبیه، نوعی شرطی‌سازی است که در آن، رفتار فرد با پیامدهای آن مرتبط می‌شود. اگر رفتار با پاداش همراه باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد و اگر با تنبیه همراه باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد.

این نوع یادگیری، در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان، از یادگیری مهارت‌های حرکتی ساده تا یادگیری مفاهیم پیچیده، نقش دارد؛ برای مثال، فرزندانی که برای انجام تکالیف خود تشویق می‌شوند، احتمالاً در آینده نیز به انجام تکالیف خود ترغیب خواهد شد. در مقابل، فرزندانی که برای اشتباهات خود تنبیه می‌شوند، ممکن است از انجام تکالیف خود اجتناب کنند. در نتیجه، یادگیری بر اساس رفتار و پیامدها، یکی از مهم‌ترین انواع یادگیری است که نقش اساسی در شکل‌دهی رفتار انسان ایفا می‌کند. این نوع یادگیری، با تأکید بر نقش انگیزه‌های مثبت و منفی، به تبیین چگونگی اکتساب و تکرار یا اجتناب از رفتارها می‌پردازد. در بحث یادگیری، تنبیه‌ها به کاهش رفتار ناهنجار می‌انجامد و تشویق‌ها، به‌صورت تقویت‌کننده عمل می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۳۹۸). البته تشویق و تنبیه در سبک والدگری معنوی خداسو، همانند روان‌شناسی رفتاری عمل نمی‌کند؛ چراکه آن تقویت و تنبیه در روان‌شناسی رفتاری به نوعی به شرطی شدن رفتار و اجبار ختم می‌شود، بدون اینکه برنامه‌ای نظام‌مندی را دنبال نماید.

والدگری معنوی خداسو سبکی است بین طرفین؛ یعنی والدین (پدر و مادر) و فرزند که متناسب با دوره‌های تحول فرزند، تعاملی عاقلانه و معنوی برقرار می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲)، به طوری که با معنوی‌سازی تعامل، سطح تعالی در فرزند در هر دوره از تحول بالاتر می‌رود. این تعامل با هدف دستیابی مشترک (پدر و مادر) برای تربیت نسل توحیدی انجام می‌گیرد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۳۶، ح ۶۷). مکانیزم رسیدن به این هدف بر اساس تعاملات عقلانی - عاطفی و رفتاری خداسو؛ یعنی در چارچوب ایمانی راسخ به مبدأ و معاد، و ارتقای شایستگی‌های والدین در راستای والدگری، با عمل صالح فراهم می‌شود که سبب نگهداری و حفظ تعادل از زمان تولد (انفطار: ۷) یا زمینه‌ساز تعادل و تعالی فرزند(ان) است و حتی می‌تواند بر نسل‌های پس از خود نیز اثرگذار باشد. این تعاملات در صورتی می‌توانند ویژگی تعادل جویی و تعالی‌خواهی فرزند(ان) را مهیا سازند که بر اصول خاصی استوار باشد و آن مبتنی بر مسئولیت‌های الهی است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲ ح ۳۲۱۴؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۶۸، ح ۱) که بر عهده والدین می‌باشد (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۴۵۹، ح ۲۰؛ سجستانی ازدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۲۹۲۸). درحقیقت والدگری معنوی خداسو، شیوه‌ای معنویت‌محور برای جلوگیری از ایجاد مشکلات روان‌شناختی در روابط و تعامل بین والدین و فرزند است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۸۱؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۱) که کنش هسته‌ای نظام روان‌شناختی والدگری، فعال‌سازی نظام تشخیص‌گر درونی (عقل طبیعی) و خودنظم‌جویی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۹۹، ح ۱) تا از این مسیر، نظام جامع ادراکی (حوزه‌های مبدأ، غایت و هستی عینی ادراک‌شده و حوزه ادراکی خود) فرزند(ان) به‌صورت پنداشت شکل بگیرد. این پژوهش به دنبال این است که با روش ترغیب (تشویق) و ترهیب (تنبیه) برنامه نهفته در روی‌آوری و بازداری در تمام حوزه‌های ادراکی را بررسی و نتایج آن را تبیین نماید و لازم است در هر حوزه ادراکی ویژگی‌های مخصوص به آن و علت ویژگی‌ها را بیان نماییم تا به برنامه نهفته در ترغیب و ترهیب نائل شد.

رشد شناختی - عاطفی و سلامت روانی، به خانواده و محیط بستگی دارد؛ چراکه خانواده و سبک‌های تربیتی والدین، تعاملات بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه استفاده از تنبیه بدنی به‌عنوان راهبردی برای تربیت کودکان، والدین را با نارضایتی مواجه کرده است (Larzelere, 2023) یا پاداش شامل فرایندی است که با دادن تقویت در قالب پاداش انجام می‌شود، که طبیعتاً رفتار مثبتی بروز کند. به‌عبارتی با اهدای جوایز از کودکان انتظار می‌رود که کیفیت دستاوردهای خود را در آینده حفظ کرده و حتی بهبود بخشند (Saputri & Widayarsi, 2022)، که اینها از قوانین سرچشمه گرفته است.

بایدها و نبایدها و قوانین، پاره‌ای از نیازهای ثانوی هستند (صدیق اورعی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). نیازمندی به قانون، از نیازمندی به زندگی اجتماعی و در عین حال همیشگی سرچشمه می‌گیرد و بشر هیچ زمانی بی‌نیاز از قانون نخواهد بود (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۷)، و اجرای روش درست از تنبیه و تشویق باعث تغییر، اصلاح و رشد فرزند می‌گردد (Julie, Ma, 2022).

با تنبیه انتظار می‌رود که کودک از اشتباهاتی که مرتکب شده است، آگاه شود تا کاری را که در آینده انجام می‌دهد را در نظر بگیرد. تنبیه برای جلوگیری از شرایط ناخوشایند با اصلاح یا به حداقل رساندن رفتار نامطلوب انجام می‌شود و اعطای پاداش، به‌عنوان یک محرک مثبت، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار و تقویت یادگیری فرزندان ایفا کند و برای تلاش آنها احساس ارزشمندی می‌کند که می‌تواند جایگاه آنها را بالا ببرد (Saputri & Widyasari, 2022). مسئله‌ای که اینجا با آن مواجه هستیم، این است که دیدگاه ادبیات دین از تنبیه و تشویق چگونه است؟ ادبیات دین چه نوع برنامه‌ای را برای روی آوری و بازداری در والدگری معنوی خداسو مطرح می‌کند؟ چه نوع شناخت و درکی از تنبیه و تشویق برای فرزند مورد توجه است که باید از سوی والدین به آنها انتقال داده شود؟ پرسش از ماهیت برنامه تشویق و تنبیه و چگونگی برقراری نسبت معقول و معنادار میان آن و عمل مثبت و منفی، در زمره پرسش‌های کلیدی و بنیادین است. ضرورت طرح این پرسش‌ها به‌اندازه‌ای است که بدون پاسخ‌گویی صحیح به آن، امکان برقراری والدگری معنوی خداسو و ورود فرزند به عمل معنوی و پیشروی در آن وجود ندارد؛ چون فرزند تا برنامه نظام‌مند در پشت ترغیب‌ها و ترهیب‌ها را آگاهی پیدا نکند و تا وقتی درک صحیحی از آنها وجود نداشته باشد، عمل معنوی که از فرزند مورد انتظار است، نمی‌تواند به شکل کاملی رخ دهد. هر نیتی از سوی عامل به‌مثابه آینه‌ای است که نوع جهت‌گیری انتخابی او در آن به‌خوبی منعکس است. بنابراین در احادیث پیشوایان دین، این موضوع مورد بحث قرار گرفته و بدان پاسخ گفته شده است. در منابع اسلامی می‌توان شناخت‌هایی از ترغیب و ترهیب را یافت که به‌صورت جداگانه بخشی از مفهوم تشویق و تنبیه را معرفی می‌نماید که ممکن است درک و بیان آن به‌صورت جزئی و مستقل مفید نباشد. آنچه اینجا مهم است، اینکه با بررسی‌هایی که شد، برنامه نهفته از روی آوری (تشویق) و بازداری (تنبیه) که از لقمان علیه السلام به فرزندش بیان داشته است، در متن والدگری معنوی خداسو قرار می‌گیرد و معرفی می‌گردد و برای همان برنامه، الگوی روی آوری و بازداری تبیین می‌شود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال «تبیین الگوی برنامه روی آوری و بازداری بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو» می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شده است: مرحله اول، تدوین الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو؛ مرحله دوم، بررسی روایی محتوای الگو. در ادامه روش کار در هر مرحله توضیح داده شده است.

مرحله اول: تدوین الگوی برنامه روی آوری و بازداری

روش پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و بر مبنای شیوه گردآوری اطلاعات بوده است و به‌منظور تحلیل الگوی برنامه روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، از جملات توصیفی - تبیینی موجود در متون اسلامی (قرآن و حدیث) با روش تحلیل محتوا استفاده گردید (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶). در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون مورد بررسی قرار گرفتند، و تحلیل متون گزینش‌شده با رویکرد

تحلیل کیفی داده‌ها انجام شد (Drisko & Maschi, 2016, p6); زیرا تحلیل داده‌ها به شمارش واحدهای تحلیل و مقولات ختم نشد، بلکه به منظور استنباط برنامه‌روی آوری و بازداری، جملات بررسی و مقوله‌بندی شدند.

جامعه اسناد و گزینش نمونه: جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات قرآن کریم و روایات به‌عنوان واحدهای تحلیل مرتبط با موضوع، جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند (بابی، ۲۰۱۱، ص ۳۵۸). جملات انتخاب‌شده در متون دینی در پژوهش حاضر، دارای ارتباط با موضوع بودند (سرمد، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳). نحوه این ارتباط استفاده از واژه‌های تشبیه، ترغیب، اجر، وعده، تحریض و تحسین برای برنامه‌روی آوری و واژه‌های تعریض، عقاب، ترهیب، انذار، وعید و تحذیر برای برنامه‌بازداری بوده است که بررسی و استفاده شدند. اطلاعات و داده‌های اولیه از مطالعه دقیق منابع و متون روایی مرتبط با موضوع از جمله نرم‌افزار جامع‌الاحادیث و جامع‌التفاسیر جمع‌آوری و استخراج گردید. در مرحله اول مفهوم ترغیب (تشویق) و ترهیب (تنبیه) مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در مرحله دوم مفاهیم و واژگان مرتبط در متون دینی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و به منابع معتبر همچون تفسیر *المیزان*، *مجمع‌البیان* و کتاب‌های درمان چندبعدی معنوی و شخصیت و مقالات مرتبط مراجعه شده است، و در پایان بر اساس مفهوم ترغیب و ترهیب و واژگان متناظر آنها، برنامه‌روی آوری و بازداری برای والدگری معنوی خداسو، بنابر متون دینی (قرآن و حدیث) استخراج و استنباط شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، محتوای آشکار و پنهان متون اسلامی (قرآن و حدیث) تجزیه و تحلیل شدند. این کار نه با روش شمارش داده‌ها، بلکه با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها صورت پذیرفت. برای تحلیل کیفی داده‌ها از شیوه مقوله‌بندی (Babbie, 2011) استفاده شد. این کار طبق نظر سرمد و دیگران (۱۳۸۰، ص ۲۰۷) به‌واسطه سه فعالیت انجام شد: ۱. تشخیص داده‌ها؛ ۲. عرضه داده‌ها؛ ۳. نتیجه‌گیری.

مرحله دوم: بررسی روایی محتوایی الگو

روایی محتوایی الگوی برنامه‌روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، به‌واسطه اظهارنظر کارشناسان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، اجزا و ساختار الگو در یک فرم مشخصات به کارشناسانی ارائه شد که در این باره آگاهی لازم را داشتند. جامعه آماری این بخش از پژوهش، کارشناسانی بودند که در رشته روان‌شناسی و مرتبط با آن تحصیل کرده بودند؛ به‌عنوان نمونه آماری، از اظهارنظر سه کارشناس استفاده شد که به‌طور غیرتصادفی انتخاب شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در این گام، در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در بررسی روایی محتوایی الگو (n=۳)

ویژگی	n	%
سطح تحصیلات حوزوی	۳	۱۰۰
سطح تحصیلات دانشگاهی	۳	۱۰۰
مهارت‌های خاص	۳	۱۰۰
رشته تحصیلی دانشگاهی	۳	۱۰۰
رشته تحصیلی حوزوی	۳	۱۰۰

چنان‌که در جدول (۱) مشخص شده است، کارشناسان با فهم روان‌شناختی متون دینی (n=۳) آشنا بودند. برای جمع‌آوری دیدگاه‌های کارشناسان، از فرم مشخصات استفاده شد که طبق نظر سیف (۱۳۹۰، ص ۱۷۱)، محتوای موضوع و ابعاد مختلف در آن به‌خوبی منعکس می‌شود. در این فرم، نظر کارشناسان درباره‌ی میزان ضرورت و مناسب بودن هر مؤلفه برای برنامه‌روی آوری و بازداری برای والدگری معنوی خداسو، ارائه شده و میزان قابلیت اجرای هریک از آنها، سؤال شد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط با نظر کارشناسان، از دو ضریب «نسبت روایی محتوا» (CVR) (Shultz et al, 2014) و «شاخص روایی محتوا» (CVI) (Polit, 2006) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

مرحله اول: الگوی برنامه‌روی آوری و بازداری برای والدگری معنوی خداسو

تشویق و تنبیه در لسان قرآن بیشتر با عنوان بشارت و انداز از آنها یاد شده، و دو اصل اساسی تربیت و از لایه‌های بنیادین آن می‌باشد.

تشویق از شوق است و شوق به‌معنای تعلق و وابستگی چیزی به چیز دیگر، یا میل نفس به چیزی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق) و یا برانگیختن و تحریک میل است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق)، و در اصطلاح تعلیم و تربیت تشویق به پس از عمل تعلق می‌گیرد (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰) و روان‌شناسان تربیتی بیشتر از آن به‌عنوان تقویت و پاداش سخن می‌گویند (سیف، ۱۳۶۸؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۸۷؛ سانتراک، ۱۳۸۵). اما مسئله این است که در قرآن از واژه تشویق و ریشه آن استفاده نشده، ولی از تبشیر و ترغیب و ریشه آنها به‌کار رفته است و لازم به ذکر است که در والدگری معنوی خداسو به این دلیل که تشویق از کاربردهای روان‌شناسی رفتاری است و به نوعی اجبار و به شرطی شدن رفتار ختم می‌شود، از ترغیب به‌جای تشویق به‌کارگیری خواهد شد. ترغیب از رغبه مشتق شده و به‌معنای میل و اشتیاق است؛ از این‌رو ترغیب عبارت از ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد است (انیس و دیگران، ۱۴۰۸ق). رغب دارای دو اصل طلب چیزی و وسعت در شیء است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق). رغب به‌معنای حرص، طمع، درخواست و طلب است (طریحی، ۱۳۶۷)؛ درحالی‌که در شوق تنها برانگیختن و تحریک میل است و در آن طرحی برای وسعت رفتار دیده نشده است. رغب به‌معنای توسعه در چیزی و به‌معنای این است که اقتضای علاقه‌مندی شدید در آن وجود دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵؛ قلم: ۳۲). ترغیب در متون دینی عبارت از ایجاد میل و رغبت در فرد، برای انجام اوامر و دستورهای خداوند بزرگ است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲) و ترغیب بیشتر در اثر دخالت عامل درونی و تشویق بیشتر در اثر عامل بیرونی ایجاد می‌شود (حسن‌زاده و مهدی‌نژاد گرجی، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

تنبیه از ریشه نبه و دارای دو معنای متضاد است. به هر چیز موجود و یا گمشده هر دو نبه می‌گویند و تنبیه به‌معنای بیداری از خواب و غفلت است (ابن‌فارس، ۱۳۸۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق). واژه تنبیه و حتی از ریشه آن در قرآن به‌کار نرفته است؛ گرچه از واژه هجر و ضرب برای تنبیه به‌کار رفته است (نساء: ۳۴). تنبیه در اصطلاح روان‌شناسی

به سه معنا به کار رفته است: الف) به معنای عام حذف پاسخ مثبت از ارگانسیم؛ ب) ارائه پاسخ منفی به ارگانسیم (سیف، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶-۲۴۷)؛ ج) به معنای اخص تنبیه بدنی (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷). مراد از تنبیه در این پژوهش معنای عام تنبیه است که شیوه‌های تنبیه را مانند تغافل، تهدید، اخراج، جریمه و... را دربر می‌گیرد. تهریب از رُهبه مشتق شده است. رهبه به معنای خوف و ترس (ابن فارس، ۱۳۸۷) و یا ترسی است که همراه با اضطراب و احتیاط باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵). تهریب عبارت از ایجاد خوف و ترس در فرد نسبت به ارتکاب اعمال ناشایست است، اعم از حرام و مکروه (داودی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳-۱۶۴) نسبت به چیزی در یک یا چند فرد (انیس و دیگران، ۱۴۰۸ق).

برنامه روی‌آوری و بازداری

برنامه روی‌آوری از ترغیب و برنامه بازداری از تهریب به دست می‌آید. بر اساس ادبیات دین، برنامه نهفته در روی‌آوری، جلب خشنودی خداوند و برنامه نهفته در بازداری، دفع غضب الهی است. چنانچه در روایتی حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش این برنامه را سفارش می‌کند و می‌فرماید: «پسر! تو را به شش ویژگی تشویق می‌کنم که هر یک از آنها به‌تنبیهی تو را به رضوان و خشنودی خداوند عز و جل نزدیک، و از خشمش دور می‌سازد» (کراچکی طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۴). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که برنامه نهفته در ترغیب‌ها و تهریب‌ها، جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی است. از این‌رو بر والدین لازم است طوری عمل نمایند که فرزندان چنین برنامه‌ای را در مسیر زندگی رصد کنند. بر اساس دو روایت از حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش، می‌توان برنامه جلب خشنودی و دفع غضب الهی را در تمام حوزه‌های ادراکی دنبال و بر طبق آن عمل نمود، که لازم است در هر حوزه ادراکی ویژگی‌های مخصوص به آن و علت ویژگی‌ها را بیان نماییم تا به برنامه نهفته در ترغیب و تهریب که همان جلب خشنودی خداوند و دفع غضب الهی است، نائل شد.

در حوزه ادراکی مبدأ باید دو ویژگی شریک قرار ندادن برای خداوند و تولی و تبری در راه خداوند را توجه نمود. با این هدف که چون انسان چه در دنیای موقتی و چه در آخرت دائمی، نیازمند و فقیر درگاه الهی است، عملش باید برای اطاعت از خداوند متعال باشد.

در حوزه ادراکی خود، باید ویژگی کنترل هوا و هوس را در اعمالی که دارد، رعایت نماید. این‌گونه که عملش به دور از ارتکاب گناه باشد؛ چراکه انسان طاقت مقاومت در برابر آتش را ندارد، و با عملش نافرمانی خداوند متعال را نمی‌کند؛ چراکه نمی‌تواند در مکانی عملی را مرتکب شود که خداوند نظاره‌گر نباشد.

در حوزه ادراکی هستی‌عینی به دلیل مشغول نشدن دل به دنیا، باید سه ویژگی خشنودی به قضای الهی، پسندیدن و نپسندیدن برای مردم بر اساس ملاک پسندیدن و نپسندیدن خود و کنترل خشم و خوبی کردن در برابر بدی دیگران را رعایت نماید.

در حوزه ادراکی غایت، عمل فرد تلاش برای آخرت و رهایی از آتش باشد (مشکینی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۲؛ کراچکی طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۴).

جدول ۲: رصد کردن جلب خشنودی خداوند و دفع غضب الهی در حوزه‌های ادراکی با برنامه روی آوری و بازداری

حوزه‌های ادراکی	ویژگی‌ها	دلیل	
حوزه ادراکی مبدأ	برای خداوند شریک قرار ندادن	اطاعت از خداوند متعال به خاطر فقر مطلق	
	تولی و تبری در راه خداوند		
حوزه ادراکی خود	کنترل هوا و هوس	ناظر بودن خداوند متعال بر اعمال	
		عدم مقاومت در برابر آتش	
حوزه ادراکی هستی عینی	دنیا	مشغول نشدن دل به دنیا	
	دیگران		خشنودی به قضای الهی
			کنترل خشم و خوبی کردن در برابر بدی دیگران
حوزه ادراکی غایت	تلاش برای آخرت و رهایی از آتش		

حال، با توجه به جدول (۲)، راهکار عملیاتی که دین برای دستیابی به برنامه روی آوری و بازداری در نظر گرفته است به شرح ذیل می‌باشد.

برنامه تربیتی روی آوری و بازداری بر اساس دو روایت به چهار قسم قابل تقسیم است. در یک روایت آمده است: «عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلَوِيحُ، عُقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۶۳۲۸ و ح ۶۳۲۹؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹، ح ۵۷۷۶ و ۵۷۷۷)؛ مجازات عقلا (کسی که علم و آگاهی دارد)، با کنایه و اشاره و مجازات جهلا (کسی که علم و آگاهی ندارد)، با تصریح کردن و مبین نمودن است. به عبارت دیگر، فرزندان نسبت به رفتارها و اعمالی که انجام می‌دهند، دو دسته هستند: یکی فرزندی که به کاری که انجام می‌دهد، نسبت به خوب و بد بودن عمل، آگاهی دارد و دیگری فرزندی که به عملی که انجام می‌دهد، نسبت به خوب و بد بودن عمل، ناآگاه است. اما واکنش والدین نسبت به این دو حالت باید متفاوت باشد. واکنش والدین نسبت به فرزندی که می‌داند، باید به صورت کنایه (بدون تش و تخریب) و اشاره‌ای باشد و واکنش نسبت به فرزندی که نمی‌داند، باید به صورت تصریحی و روشن کننده و مبین باشد؛ چراکه کنایه زدن به فردی که می‌داند و آگاهی دارد، سخت‌ترین سرزنش (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱، ح ۴۰۸۶). بنابراین از روایتی که تبیین شد، دو واکنش تصریح (برای فرزند که آگاهی ندارد) و تلویح (برای فرزندی که آگاهی دارد) به دست می‌آید. در روایت دیگر آمده است: «از جُرِّ الْمُسَىءِ بِتَوَابِ الْمُحْسَنِ» (شریف رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۴، ح ۱۲)؛ بذکار را با پاداش دادن به نیکوکار [از کار ناشایست] بازدار. این روایت ناظر به این مطلب است که برای فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، پاداش و تقویتی در نظر گرفته شود و برای فرزندی که از او عمل ناشایست سر زده است، مجازات و تنبیهی برای او دیده شود. همین روایت به صورت ضمنی نیز اشاره به نوعی تأدیب تلویحی برای کسی که عمل ناشایست انجام داده است، بیان داشته است. اینکه تأدیب فرزند خاطی با پاداش دادن به فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، صورت می‌گیرد، و پاداش دادن به فرزندی که عمل نیکی انجام داده است، اشاره به تقویت تصریحی دارد. بنابراین از روایت فوق دو نوع پاداش و تأدیب به دست می‌آید.

با توجه به این دو روایت، راهکار برنامه‌روی‌آوری و بازداری بنا به موقعیت‌های شناختی که برای فرزند وجود دارد، دارای چهار قسم است که هر یک را توضیح و برای همان قسم راهکارهایی عملیاتی از زبان دین بیان خواهد شد.

۱. تقویت و پاداش تصریحی: واکنش والدین به صورت تقویت تصریحی به این معناست، فرزندی که به نیک بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی ندارد، و والدین برای ایجاد امری خوشایند یا از بین بردن امری ناخوشایند به صورت روشن‌کننده و بین‌تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از روی‌آوری شامل موارد ذیل می‌باشد.

– وعده پاداش (نور: ۵۵).

– وعده به افزایش پاداش (حدید: ۱۱).

– بشارت به پاداش (توبه: ۲۰).

– توجه کردن به عمل (نساء: ۱۲۷).

– اجابت درخواست فرزند (انبیاء: ۹۰).

– ابراز محبت نسبت به فرزند (بقره: ۲۲۲).

– تعریف و تمجید از فرزند (ص: ۳۰).

– سپاسگزاری از فرزند (بقره: ۱۸۵).

– ذکر و یاد کردن نیکی‌های آنها نزد دیگران (مریم: ۴۱).

– بخشش گناهان و کوتاهی‌های فرزند (بقره: ۵۱ و ۵۲؛ عنکبوت: ۷) به صورت صریح و بین برای از بین بردن امری ناخوشایند.

۲. تقویت و پاداش تلویحی: واکنش والدین به صورت تقویت تلویحی به این معناست، فرزندی که به نیک بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی داشته، و والدین برای ایجاد امری خوشایند یا از بین بردن امری ناخوشایند به صورت کنایه (بدون تنش و تخریب) و اشاره‌ای تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از روی‌آوری شامل موارد ذیل می‌باشد:

– نیکی کردن در برابر بدی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴۲۷، ح ۷۶).

– ذکر و یادآوری پاداش دیگران (بقره: ۶۲).

– بیان نتایج و آثار دنیوی عمل (هود: ۵۲).

– ابراز رضایت از عمل دیگران (فتح: ۱۸).

– دعا و ثنا برای فرزند (رعد: ۲۳ و ۲۴).

- برانگیختن فرزند (انفال: ۶۵).

- بیان نعمت‌های مادی و معنوی (فتح: ۲۰؛ زخرف: ۷۲ و ۷۳).

- هدایت و رشد بیشتر دادن فرزند (محمد: ۱۷).

- بخشش گناهان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴۲۷، ح ۷۶) و کوتاهی‌های فرزند (بقره: ۵۱ و ۵۲؛ عنکبوت: ۷)

به‌صورت اشاره و کنایه برای از بین بردن امری ناخوشایند.

۳. تأدیب تلویحی: واکنش والدین به‌صورت تأدیب تلویحی به این معناست، فرزندی که به ناپسند بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی داشته، و والدین برای ایجاد امری ناخوشایند یا از بین بردن امری خوشایند به‌صورت کنایه (بدون تنش و تخریب) و اشاره‌ای تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از بازداري شامل موارد ذیل می‌باشد:

- کمک نگرفتن از فرزند در انجام بعضی از فعالیت‌هایی که قبلاً کمک گرفته می‌شد.

- تشویق نیکوکار در برابر متخلف (از جُرِّ الْمُسَىءِ بِتَوَابِ الْمُحْسِنِ).

- قهر و دوری گزیدن کوتاه (نساء: ۳۴؛ مزل: ۱۰) (وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطَلِّ).

- توبیخ کردن (عَابُوا أَرْقَاءَ كُمْ عَلَىٰ قَدَرٍ عَقُولِهِمْ؛ بردگان خود را به‌اندازهٔ عقلشان توبیخ کنید).

- تهدید انتزاعی (بقره: ۲۷۸-۲۷۹).

- تحریم و محروم‌سازی (نور: ۳؛ واقعه: ۶۵ و ۶۹).

۴. تأدیب تصریحی: واکنش والدین به‌صورت تأییب تصریحی به این معناست، فرزندی که به ناپسند بودن فعلی که انجام داده است، آگاهی ندارد، و والدین برای ایجاد امری ناخوشایند یا از بین بردن امری خوشایند به‌صورت روشن‌کننده و بین تلاش می‌کنند.

راهکارهای عملیاتی این نوع برنامه از بازداري شامل موارد ذیل می‌باشد:

- تذکر و آگاهی بخشی (اعلی: ۹-۱۱).

- حذف کردن مسئولیتی که به فرزند واگذار شده است.

- اعلام خطا (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۵۳۴۲؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶ق، ص ۲۶۷، ح ۴۸۹۷).

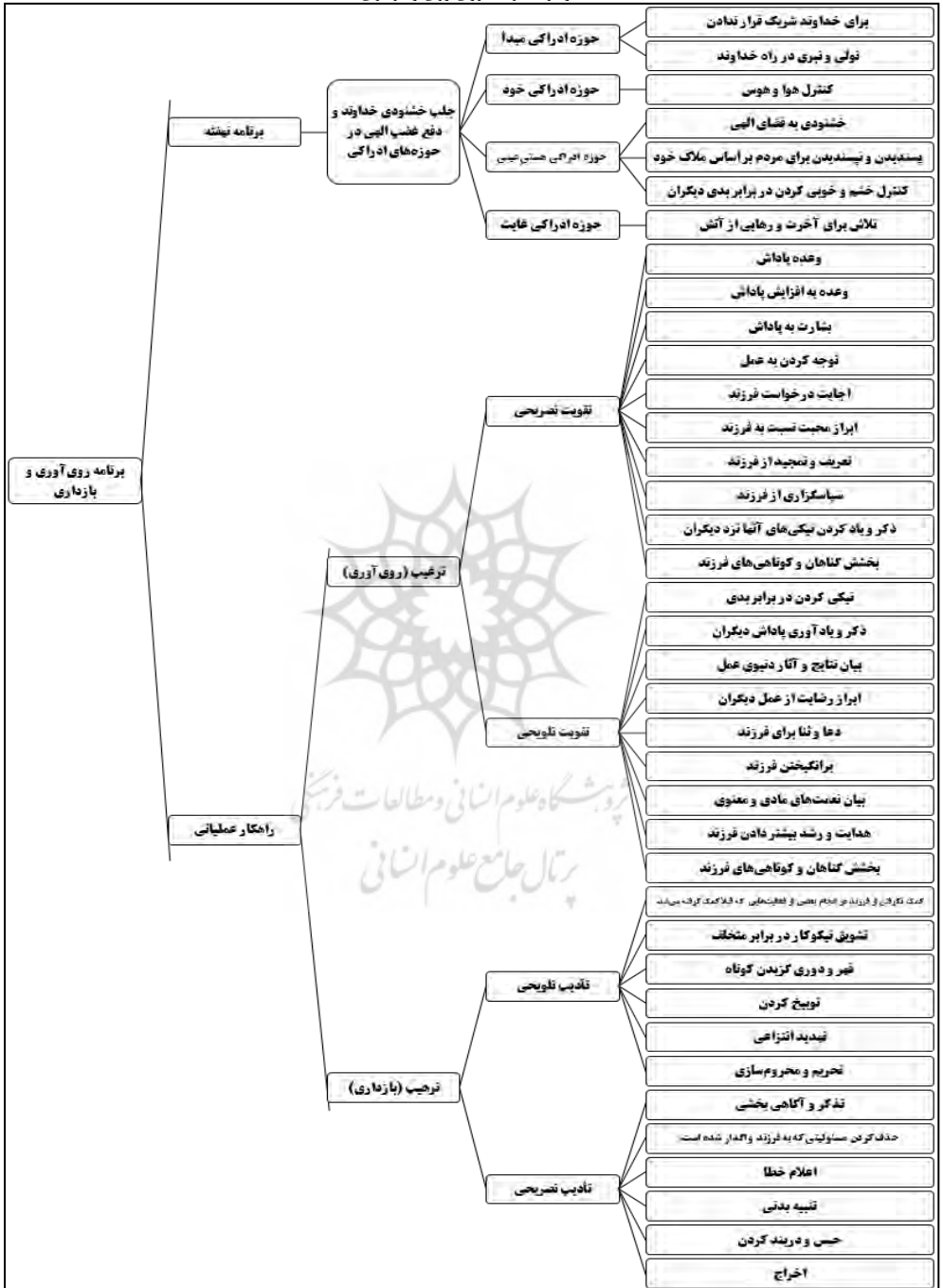
- حبس و در بند کردن (نساء: ۱۵).

- اخراج (بقره: ۳۶).

- تنبیه بدنی (نساء: ۳۴).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان الگوی روی آوری و بازداري را در نمودار (۱) مشاهده نمود.

نمودار ۱: برنامه روی آوری و بازداری



مرحله دوم: بررسی روایی محتوای الگو

بهمنظور بررسی روایی الگوی برنامه‌روی آوری و بازداری (تشویق و تنبیه) بر اساس منابع اسلامی برای والدگری معنوی خداسو، طی تهیه فرمی از ۳ کارشناس روان‌شناسی درخواست شد نظرات خود را دربارهٔ ۱. میزان مطابقت هریک از مفاهیم با گزاره‌های دینی که شاخص روایی محتوا (CVI) و ۲. میزان ضرورت مؤلفه‌ها برای الگو که نسبت روایی محتوا (CVR) را نشان می‌دهد، بیان کنند. نتایج حاصل از میزان مطابقت مقوله با مستندات با شاخص روایی محتوا (CVI) و میزان ضروری بودن مقوله با محاسبه و تحلیل نسبت روایی محتوای (CVR) الگوی برنامه‌روی آوری و بازداری در والدگری معنوی خداسو بررسی شد، که این نسبت برای تمام مؤلفه‌های الگو، بالاتر از حداقل میزان لازم، یعنی ۰/۹۹ است، که روایی مطابقت مقوله با مستندات و میزان ضروری بودن مؤلفه‌ها برابر با ۱ است؛ از این رو نشان می‌دهد که مؤلفه‌ها بر اساس داوری کارشناسان مناسب‌اند و نشان از روایی لازم برای آن مفهوم را نیز دارد.

نتیجه‌گیری

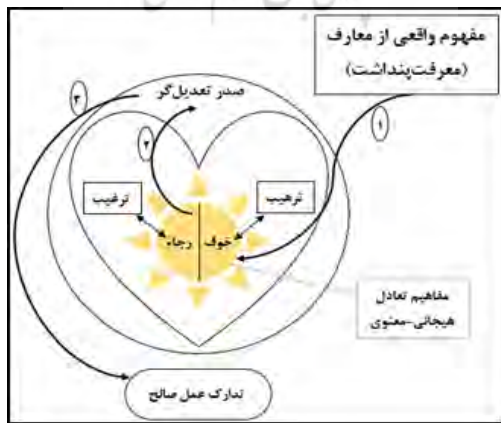
مسئله تشویق و تنبیه در والدگری معنوی خداسو به‌صورت برنامه‌ای نظام‌مند اجرا می‌شود. به این معنا که فرزند در روند تشویق و تنبیه باید برنامه‌ای نظام‌مندی را که در متون دینی به آن پرداخته شده (جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی)، دریافت نمایند. همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ در رسالت تربیتی خود با تبیین شناختی به‌سوی خداوند برمی‌انگیخت و با روش‌هایی از جمله تشویق جذب می‌نمود، و با هشیار ساختن و ادب نمودن، از هلاکت دور می‌ساخت؛ چنان‌که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «خداوند محمد ﷺ را نشانه‌ای ساخت برای قیامت و بشارت‌دهنده به بهشت و ترساننده از عقوبت» (شریف رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۳۶۸). بنابراین دانسته می‌شود رویکرد تربیتی تشویق و تنبیه با برنامه‌روی آوری برای امر حق و بازداری از امور هلاکت‌بار است.

نکته حائز اهمیت و سؤالی که لازم است مطرح شود، این است که چرا در روایت برای کسی که نسبت به خوب و بد بودن عملش آگاهی دارد، باید به‌صورت تلویحی و اشاره‌ای رفتار نمود؟ شاید بتوان پاسخ این سؤال را به مسئله ایجاد انگیزهٔ درونی در فرزند مرتبط ساخت؛ به این معنا که وقتی فرزندی آموزش و آگاهی پیدا کرده است که این عمل پسندیده است و برای بار اول نسبت به انجام آن با واکنش تقویت تصریحی مواجه شده است، برای ایجاد انگیزهٔ درونی و برای انجام همان عمل در دفعات بعدی، لازم است به‌صورت تقویت تلویحی (کنایه‌ای و اشاره‌ای) باشد تا فرزند آن عمل را رشد دهد و در ذهن فرزند به‌صورت شرطی شکل بگیرد، و برای رفتار ناپسندی که از سوی فرزند سر می‌زند، وقتی نسبت به بد بودن آن عمل آگاهی داشته است، برای اینکه از هرگونه سرزنش ظاهری و تخریب شخصیتی در امان بماند، بهترین روش این است که به‌صورت تلویحی و کنایه‌ای به او گوشزد شود، و اگر نسبت به بد بودن آن آگاهی و شناختی نداشته است، نسبت به موضوع‌های بی‌ارزش و بی‌اهمیت و بنا به موقعیت‌ها تعافل نمود و نسبت به موضوعات ارزشی و الهی باید به او متذکر شد و از تأدیب تصریحی استفاده نمود.

حال، در ترغیب و روی‌آوری نوعی وابستگی و تعلق و میل نفس به چیزی و یا برانگیختن و تحریک میل به اشتیاق به اطاعت و در ترهیب نوعی خوف برای ترک و اجتناب از نواهی خداوند است که در اثر دخالت عاملی درونی در هر دو، به توسعه یافتن فضای روانی - معنوی انسان منجر می‌شود و مکانیزم اثرگذاری هر دو در حوزه قلب قرار داشته و با نیت سروکار و ارتباط دارد (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۲). بنابراین در ترغیب چه به عمل گراییده شود و چه عملی صورت نگیرد، و در ترهیب اگر اجتناب از عمل ناپسند با خودآگاهی صورت بگیرد؛ چون با نیت خداسو ارتباط دارد، برای او عمل مجزایی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین شیوه‌های ترغیب و ترهیب به‌گونه‌ای است که برنامه نهفته در روی‌آوری و بازداری به توسعه دادن عمل معنوی در وجود و روان انسان (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۹) استعانت و یاری می‌رساند. بنابراین در والدگری معنوی خداسو علاوه بر وجود عواملی همچون خداسو بودن والدین، شیوه تعامل به‌گونه‌ای است که اثر والدگری با دوام و اصیل خواهد بود. ثبات و پایدار بودن اثر والدگری با برنامه روی‌آوری و بازداری از این باب است که ترهیب (بازداری) با خوف و ترغیب (روی‌آوری) با رجا و امید که در درون قلب (عقل) هستند، ارتباط دارند. چنانچه حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش چنین می‌فرماید: «اگر قلب مؤمن بیرون آورده و پاره شود، دو نور در آن دریافت می‌گردد: نوری برای خوف و نوری برای رجا، که اگر وزن شوند، هیچ‌یک ذره‌ای بر دیگری ترجیح نخواهد داشت» (قمی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۴۱۲، ح ۲). درحقیقت تعادل هیجانی - معنوی بر لبه دو تیغه خوف از عذاب الهی در صورت داشتن تمام خوبی‌ها و امید به رحمت الهی در صورت داشتن تمام بدی‌ها قرار دارد.

به این معنا که تعادل هیجانی - معنوی (خوف و رجا) که از عقل منشأ می‌شود، در ضمن عمل با برنامه روی‌آوری و بازداری در قلب ارتباط گرفته و برای آماده شدن برای تدارک به صدر منتقل و در نهایت به عمل معنوی منجر می‌گردد. شکل (۱) الگوی ارتباطی برنامه روی‌آوری و بازداری با دیگر نظام پردازشی را نشان می‌دهد.

شکل ۱: ساختار تعاملی برنامه روی‌آوری و بازداری با نظام‌های پردازش



علاوه بر انواع راهکارهای عملیاتی که بیان شد، لازم است اصولی از برنامه‌روی‌آوری مانند استفاده از هر دو (تقویت و تأدیب) (بقره: ۸۱ و ۸۲)، تقدم تقویت بر تأدیب (بقره: ۱۱۹)، توصیف عینی پاداش (توبه: ۷۲) یا ابهام در میزان پاداش (یونس: ۲)، تشویق‌کننده عمل به‌جای خود عمل (صف: ۴)، پاداش کریمانه (قصص: ۸۴)، فوریت (فتح: ۱۰)، بیان دلیل پاداش و تقویت (عد: ۲۲-۲۴)، پرهیز از خلف وعده (روم: ۶)، عدم افراط در تشویق (فرقان: ۶۷)، عدم استفاده زیاد از پاداش‌های مادی، تناسب داشتن مشوق با رفتار، بدون تأخیر، تقویت رفتار پسندیده، بدون دلیل پاداش ندادن را رعایت نمود.

همچنین اصولی از برنامه‌بازداری مانند همراهی تأدیب با تقویت (مانده: ۱۹)، تقدم تقویت بر تأدیب، تأدیب به‌اندازهٔ تخلف و یا کمتر از آن (انعام: ۱۶۰)، عذرپذیری (توبه: ۱۴-۱۵)، عدالت در تأدیب (نور: ۲)، ملاحظت در تأدیب (ص: ۴۴)، تأدیب در برابر معصیت الهی، عدم تأدیب برای تشریف دل، اعتدال در تأدیب، رعایت مراحل تأدیب، نگهداشت حرمت و اقتدار تأدیب‌کننده، ایجاد نکردن حقارت و کینه، عادت نکردن به تأدیب، استفاده نکردن از افعال ناپسند مانند دروغ‌گویی و ریا و...، لجباز نکردن فرزند با تأدیب را رعایت نمود.

نتیجه اینکه در والدگری معنوی خداسو، تشویق و تنبیه فرزندان بر اساس برنامه‌ای نظام‌مند (جلب خشنودی پروردگار و دفع غضب الهی) و با هدف روی‌آوری به حق و بازداری از امور هلاکت‌بار اجرا می‌شود و با ایجاد انگیزهٔ درونی و تعادل هیجانی - معنوی (خوف و رجا)، به توسعهٔ عمل معنوی در روان انسان کمک می‌کند. در پایان در پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که محققان به بررسی تفاوت‌های احتمالی در نحوهٔ اعمال سازوکارهای روی‌آوری و بازداری و تأثیر آن بر فرزندان دختر و پسر، و نیز تغییرات احتمالی این سازوکارها را در مراحل مختلف رشد (کودکی، نوجوانی و جوانی) مورد مطالعه قرار دهند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الصادر.
- اتکینسون، ریتا و دیگران (۱۳۶۷). *زمینه روان‌شناسی*. ترجمه محمدتقی برهانی و دیگران. تهران: رشد.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۴۰۸ق). *معجم الوسیط* تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۳). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه و شرح آقاجمال خوانساری. تهران: دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- حسن زاده، رمضان و مهدی نژادگرگی، گلین (۱۳۹۱). *نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش (روان‌شناسی انگیزش و یادگیری)*. تهران: روان.
- حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۷۷). *تنبیه از دیدگاه اسلامی*. حوزه و دانشگاه، ۱۴، ۳۳ و ۳۴.
- حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۹۷). *روش‌های تربیتی در قرآن کریم، ارائه الگو، قصه‌گویی، تشویق و تنبیه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد (۱۳۸۳). *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البیت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- سانتراک، جان دبلیو (۱۳۸۵). *روان‌شناسی تربیتی*. ترجمه مرتضی امیدیان. یزد: دانشگاه یزد.
- سجستانی ازدی، سلیمان بن اشعث (بی تا). *سنن ابی داوود*. تحقیق محمد محبی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دار احیاء السنة النبویه.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۵). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۶۸). *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*. تهران: آگاه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). *ساختن ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: دیدار.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۷). *روان‌شناسی تربیتی و تدریس*. تهران: اطلاعات.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق). *معانی الأخبار*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۶). *اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر*. قم: دار الحدیث.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷). *مجمع البحرین*. تصحیح عادل محمود. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین مدل مفهومی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی و ساخت و امکان‌سنجی طرح‌نمای درمانی آن در کاهش نشانگان افسردگی*. رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). *ترتیب کتاب العین*. قم: اسوه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق). *تفسیر القمی*. تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری. نجف: مکتبه الهدی.
- کراچکی طرابلسی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. تصحیح عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحدیث.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الفعال*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مشکینی، علی (۱۴۰۶ق). *مواظب العدویه*. تحقیق: علی احمدی میانجی. قم: الهادی.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *ختم نبوت*. تهران: صدرا.
نیشابوری، مسلم، (۱۴۱۶ق). *صحیح مسلم*. بیروت: دار ابن حزم.

شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۹۱). *ترجمه نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.

- Babbie, E. (2011). *The Basic of Social Research*. USA: Wadsworth, Cengage - Learning.
- Drisko, J. W. & Maschi, T. (2016). *Content analysis*. Oxford university press.
- Goldenberg, I., Goldenberg, H. & Erica Goldenberg Pelavin (2014). *Family therapy*. in Danny Wedding and Raymond J. Corsini. *Current Psychotherapies*. 10th Edition. Brooks/Cole, Cengage Learning.
- Julie Ma, Yoonsun Han, Hae Rin Kang (2022). Physical punishment, physical abuse, and child behavior problems in South Korea. *Child Abuse & Neglect the International journal*. 123, 105385.
- Larzelere, R. E., Reitman, D., Ortiz, C., Cox, R. B. (2023). *Parental Punishment: Don't Throw Out the Baby with the Bathwater*. In: Frisby, C. L., Redding, R. E., O'Donohue, W.T., Lilienfeld, S. O. (eds). *Ideological and Political Bias in Psychology*. Springer: Cham.
- Polit D. F., Beck C. T. (2006). The Content Validity Index: Are You Sure You Know What's Being Reported? Critique and Recommendations. *Research in Nursing & Health*, 29, 2489-497.
- Saputri, A. I., Widyasari, C. (2021). Application of Reward and Punishment to Develop Disciplinary Behavior of Early Childhood. *Early childhood research journal*, 1, 1-31
- Shultz, K. S. Whitney, D. J. & Zickar, M. J. (2014). *Measurement Theory in Action, Case Studies and Exercises*, New York, Routledge.
- Saputri, A. I., & Widyasari, C. (2022). Application of reward and punishment to develop disciplinary behavior of early childhood. *Early Childhood Research Journal (ECRJ)*, 4(1), 1-30.